

بررسی فضایل علوی علیه السلام در معراج پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

علی اصغر حدادیان نائینی^۱، امیر توحیدی^۲، سید محمد رضوی^۳

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۹/۶ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱۰/۱۱)

چکیده

معراج پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سیروسفری مادی و معنوی از زمین تا مافوق آسمان‌های هفتگانه یعنی مقام قرب «او ادنی» است و هدف اصلی آن به استناد آیهی اول سوره «الاسراء» و آیهی هجدهم سوره «النجم» تماشای گزیده‌ای از آیات بزرگ الهی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در این سیر با مجموعه بزرگ و متنوعی از موضوعات و مشاهدات از جمله دیدار با پیامبران و فرشتگان، طوبی و سدره المنتهی، بهشت و جهنم و... مواجه می‌شوند. در این میان از آنجاکه بخش عظیمی از ظرفیت معراج نبوی صرف نمایش و بیان فضائل علوی گردیده است؛ پژوهش حاضر ضمن استخراج این فضائل از روایات مرتبط با معراج به شیوه پژوهش کیفی و بررسی اطلاعات گردآوری شده به «روش توصیفی تحلیلی» آن‌ها را از لحاظ کیفیت بیان، به سه بخش بیانات، مکتوبات و تجلیات تقسیم نموده و به سبب اولویت نوع ارتباطشان به سه بخش ارتباط با خدا، ارتباط با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ارتباط با خلق تقسیم کرده است. بدین ترتیب با وجود اهمیت فراوان و نیز کمیت و کیفیت فوق‌العاده این فضائل، نتیجه به دست آمده نشان داد که یکی از مهم‌ترین اهداف معراج پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، تبیین و تبلیغ این فضائل و مقامات است و به‌طور کلی این ابلاغ از ارکان اصلی معراج به شمار می‌آید. این پژوهش در انتها به شرح یکی از آن فضائل یعنی لقب «امیرالمؤمنین علیه السلام» برای حضرت علی علیه السلام پرداخت. لقب «امیرالمؤمنین علیه السلام» منحصر به فرد بوده و نسبت به سایر القاب حضرت از جامعیت نسبی برخوردار است. هم‌چنین می‌تواند دال بر ولایت علوی و خلافت بلا فصل ایشان باشد.

کلید واژه‌ها: معراج، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، فضائل علوی علیه السلام، امیرالمؤمنین علیه السلام، جبرئیل.

۱. دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ s.hadadian110@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛ amir_tohidi@yahoo.com

۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ dsmrazavi@yahoo.com

۱- مقدمه و بیان مسأله

یکی از موضوعات مهم که از دیرباز مورد توجه دانشمندان اسلامی و مفسران قرآن قرار گرفته، موضوع معراج است. قرآن در آیه اول سوره «الاسراء» و آیات هجده گانه ابتدای سوره «النجم» به طور مستقیم به مسئله معراج نبوی پرداخته است. البته تعداد دیگری از آیات قرآن نیز وجود دارند که از لحاظ تفسیری و تأویلی با مقوله معراج ارتباط دارند. اگرچه دانشمندان اسلامی در مواردی چون زمان وقوع، مکان آغاز، کمیت (تعداد معراج های نبوی) و کیفیت (رؤیا، روحانی، جسمانی و روحانی) معراج دارای اختلاف نظرهایی هستند، اما در اصل وقوع معراج و هدف اصلی آن که مشاهده برخی از آیات بزرگ الهی است و مواردی چون استماع و اکتساب وحی به طور مستقیم و بازگشت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به جایگاه اولیه خویش در پاره ای از یک شب اتفاق نظر دارند. (خوارزمی، ۱۷۶/۱) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در طی سیر در آسمان های هفت گانه تا سدره المنتهی به مشاهده پیامبران، فرشتگان، بهشت و جهنم و ... نائل می آیند و پس از سدره المنتهی و عبور از حجب نور به مقام قرب «اودنی» می رسد. از آنجا که قرآن با مفرد «انفسنا» در آیه مباهله (آل عمران، ۶۱) بیان کننده وابستگی شدید و غیر قابل انکار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با امیرالمؤمنین علی علیه السلام است، اکنون این سؤال پیش می آید که آیا در طی معراج نبوی به فضائل علوی اشاره شده است؟ کدام فضائل؟ چگونه؟ معراج موقعیت مناسبی برای شناخت فضائل علوی علیه السلام است. در طی معراج نبوی صلی الله علیه و آله نه تنها فضائل علوی از زبان خود خداوند (حر عاملی، الجواهر السنیة، ۲/۲۴۰)، جبرئیل (قمی، علی بن ابراهیم، ۲/۳۳۶)، فرشتگان (ابن طاووس، التحصین، ۲۹۵)، انبیاء علیهم السلام (حر عاملی، اثبات الهداه، ۳/۲۰۴)، حوریان (نباطی بیاضی، ۱/۲۳۸) بیان شده است، بلکه مکتوب بودن نام علی علیه السلام با القابی همچون «امیرالمؤمنین علیه السلام»، «ولی الله» و ... بر درب های بهشت (مجلسی، ۳۷/۳۳۹، ۲۷/۱۱؛ حلی، کشف الیقین، ۱/۴۵۹)، پرده های قصرهای بهشت (مجلسی، ۴۵/۱۳۶) و ... نیز از جمله

فضائل علوی علیه السلام به شمار می آیند. وجود فرشتگان متعددی که در آسمان های مختلف در مقابل عرش در حال عبادات به صورت و سیمای علی علیه السلام دیده شده اند تا اشتیاق عرش، سدره المنتهی و فرشتگان به علی علیه السلام را آرامش بخشند (نباطی بیاضی، ۱/۲۴۴؛ مجلسی، ۳۰۰/۱۸، ۳۹/۹۷) نیز در زمره این فضائل محسوب می شوند. سخن گفتن خداوند با «لغت» و «لسان» علی علیه السلام در مقام قرب «وادنی» هم از بزرگ ترین این فضائل است (بحرانی، مدینه معجز الاثمه، ۲/۴۰۲)؛ بنابراین بخش عظیمی از معراج نبوی صلی الله علیه و آله صرف بیان فضائل علوی علیه السلام و نمایش تجلیات و مقامات آن حضرت گردیده است. تعداد فراوانی از فضائل علوی در معراج مطرح شده اند که کم و کیف فوق العاده آن ها در ذهن مخاطبین این سؤال را ایجاد می کند که چرا باید معراج، بستری برای بیان این فضائل گردد؟ و چرا بخش عظیمی از معراج صرف این تبیین گردیده است؟

پیشینه به روشنی مبین آن است که بررسی فضائل علوی علیه السلام در واقعه عظیم معراج، تحلیل، تحقیق و پژوهشی علمی را طلب می نماید.^۱

نوع روش تحقیق این پژوهش «کیفی» بوده و اطلاعات آن به روش کتابخانه ای گردآوری و به روش «توصیفی تحلیلی» مورد بررسی قرار گرفته است. کمبود و نواقص موجود در سوابق کار پژوهشی در این زمینه خاص و نیاز به بازنگری احادیث معراج نبوی صلی الله علیه و آله از این منظر و بدیع بودن این پژوهش در قالب خود از جمله مهم ترین دلایل اهمیت و ضرورت پرداختن به موضوع این پژوهش است.

این پژوهش با استخراج فضائل علوی از روایات مرتبط با معراج و بررسی آن ها، به لحاظ

۱. از بررسی های انجام شده درباره موضوع معراج پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، این چنین به دست آمد: مولوی نیا در کتاب معراج پیامبر صلی الله علیه و آله، زکی زاده در کتاب معراج پیامبر صلی الله علیه و آله، السند در کتاب الاسراء و المعراج و المسجد الاقصی و بیت المقدس، دستغیب در کتاب معراج شرح و تفسیر سوره شریفه «والنجم» با استناد به آیات، روایات و احادیث ضمن بیان مباحثی درباره معراج رسول الله صلی الله علیه و آله اشاره ای نیز به فضائل امیرمومنان علیه السلام در پرتو این واقعه داشته اند. در این زمینه فقط زکی زاده در کتاب «پژوهشی قرآنی و روایی درباره معراج پیامبر صلی الله علیه و آله» در بخش سوم تحت عنوان «ولایت در آئینه معراج» که شامل حکایت های شنیدنی اهل بیت علیهم السلام در معراج است، در طی ۵۴ صفحه و با طرح ۵۴ عنوان به ذکر روایاتی که شامل فضائل علوی در معراج است، می پردازد.

کیفیت بیان آن‌ها را به سه بخش بیانات، مکتوبات و تجلیات و به سبب اولویت نوع ارتباطشان به سه بخش ارتباط با خدا، ارتباط با پیامبر ﷺ و ارتباط با خلق تقسیم می‌نماید.

۲- عالم ملکوت و فضایل علوی

معراج سیر در عالم ملکوت و باطن هستی است (صدوق، امالی، ۱۵۰)؛ از گستردگی امکانات و فراوانی استعداد بهره‌مند بوده و فضای فوق‌العاده شگفت‌انگیز آن جذاب و بی‌نظیر است. از آنجا که ولایت رکن دین و اس‌ و اساس اسلام است (مجلسی، ۳۲۹/۶۵) و ولایت علوی مکمل و استمرار ولایت نبوی است؛ لذا تعظیم و تکریم مقامات علوی در این عرصه نه تنها از ارزش‌های والاتری برخوردار است بلکه جبران‌کننده تنگنای عالم ملک در تبیین این فضائل نیز می‌باشد. بدیهی است تنظیم و تبویب این فضائل از مهم‌ترین مقدمات و ارکان تحلیل و بررسی آن به شمار می‌آید.

۳- اشکال و مراتب تبیین فضایل علوی در معراج

۳-۱. بیانات

در طی معراج پیامبر اکرم ﷺ شخصیت‌های متعددی در مدح و منقبت حضرت علی علیه السلام سخن گفته‌اند که به‌طور کلی به شش دسته زیر تقسیم می‌شوند. تعداد گویندگان این مناقب و علو شأن آنان حائز اهمیت فراوان و نیازمند توجه اکید است.

۱- بیان الهی: مهم‌ترین گوینده فضائل علوی در معراج خود خداوند است که در مقام قرب «اوادنی» یعنی مقصد نهایی معراج به توصیف حضرت علی علیه السلام می‌پردازد. در این زمینه می‌توان به این نمونه اشاره کرد: «... قَالَ الْغَزِيْزُ عَزَّوَجَلَّ: فَاخْتَرْتُ مِنْهَا عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَجَعَلْتُهُ وَصِيَّكَ فَانْتَسَيْدُ الْأَنْبِيَاءِ وَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَيِّدُ الْأَوْصِيَاءِ.» (مجلسی، ۳۰۷/۲۶)؛ «خداوند فرمود: علی علیه السلام را انتخاب کردم و او را وصی تو قرار دادم. تو سرور انبیائی و علی علیه السلام سرور اوصیاء است.»

۲- بیان نبوی ﷺ: شخص پیامبر اکرم ﷺ نیز در موافقی از معراج در مدح حضرت

علی علیه السلام سخن گفته‌اند. به عنوان نمونه می‌توان به این روایت استناد کرد: «ما خلق الله نبیا اکرم علی الله منی و لا وصیا اکرم علی الله من علی.» (حر عاملی، الجواهر السنیة، ۵۱/۳)؛ «خداوند هیچ پیامبری صلی الله علیه و آله را گرامی‌تر از من و هیچ وصی را گرامی‌تر از علی علیه السلام را قرار نداد.»

۳- بیان پیامبران علیهم السلام: پیامبران الهی نیز در گرد هم‌آیی بزرگ و باشکوهشان در معراج بر منزلت حضرت علی علیه السلام شهادت دادند. چنانکه در روایت آمده است: «... قُلْ لَهُمْ بِمَ يَشْهَدُونَ قَالُوا نَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنْكَ رَسُولَ اللَّهِ وَ أَنَّ عَلِيًّا علیه السلام أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ.» (مجلسی، ۳۷/۳۷)؛ «به آن‌ها (پیامبران) بگو به چه چیزی گواهی می‌دهند؟ آن‌ها گفتند: گواهی می‌دهیم خدایی جز خدای یکتا نیست و تو رسول خدایی و علی علیه السلام امیر مؤمنان است.» البته در مواردی نیز برخی از پیامبران بزرگ الهی به تنهایی دم از فضیلت حضرت علی علیه السلام زده‌اند. در این زمینه می‌توان این روایت را بیان کرد: «... فَلَمَّا صَعِدَ بِهِ إِلَى السَّمَاءِ السَّابِعَةِ لَقِيَهُ عِيسَى علیه السلام ... سَأَلَهُ عَنْ عَلِيٍّ فَقَالَ لَهُ خَلَفْتُهُ فِي أُمَّتِي قَالَ نِعَمَ الْخَلِيفَةَ خَلَفْتُ ...» (همان، ۳۰۳/۱۸)؛ «آنگاه که (پیامبر صلی الله علیه و آله) به آسمان هفتم صعود کرد، حضرت عیسی علیه السلام ایشان را ملاقات کرد و (حضرت عیسی علیه السلام) در مورد علی علیه السلام از ایشان سؤال کرد. پس ایشان فرمودند: او را جانشین خود در میان امتم قراردادم. (حضرت عیسی علیه السلام) گفت: چه خوب جانشینی را جانشین خود قراردادی.»

۴- بیان جبرئیل علیه السلام: جبرئیل علیه السلام که در زمره بزرگ‌ترین فرشتگان الهی است، در دعای سوم از صحیفه سجادیه به عنوان امین وحی الهی و اطاعت شونده در اهل آسمان‌ها معرفی شده و همچنین به مقام و منزلت ویژه و تقرب او به خداوند تصریح شده است. یکی از آن‌ها عبارت است از: «... فَقَالَ جِبْرَائِيلُ اشْتَاقُ الْعَرْشَ إِلَى عَلِيٍّ لِإِكْتَارِ اللَّهِ تَعَالَى الثَّنَاءَ وَ الصَّلَاةَ عَلَيْهِ فَخَلَقَ هَذَا عَلِيٍّ صَوْرَتَهُ يَسْبِغُ وَ ثَوَابُهُ لِأَهْلِ بَيْتِكَ.» (نباطی بیاضی، ۲۴۴/۱)؛ «جبرئیل گفت: عرش به دیدار علی بن ابی طالب علیه السلام اشتیاق دارد، خداوند متعال بسیار علی علیه السلام را می‌ستاید و بر او درود می‌فرستد، پس به شکل علی بن ابی طالب علیه السلام آفرید تا تسبیح و تقدیس و تحمید او را پاداشی از برای شیعیان اهل بیت تو قرار دهد.»

۵- بیان ملائکه علیهم السلام: به عنوان نمونه می توان گفت فرشتگان الهی در اجتماع باشکوه خود در محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله در معراج، دم از آشنایی با حضرت علی علیه السلام می زنند و به حج هر ساله ایشان در بیت المعمور اشاره می کنند. (حر عاملی، الجواهر السنیة، ۲۰۴/۳)؛ هم چنین بر خیر الوصیین بودن ایشان شهادت می دهند. (همان، ۱۷/۳)

۶- بیان حوریه علی علیه السلام: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در طی دیدارشان از بهشت با حوریه ای مواجه می شوند که خود را آفریده شده برای وصی و وزیر ایشان یعنی علی بن ابی طالب علیه السلام معرفی می کند. (همانجا، ۵۹/۳)؛ بنابراین حوریه علی علیه السلام نیز در معراج بیان کننده فضائل علوی است.

۲-۳. مکتوبات

واژه «الکتاب» در اصل به معنای دوختن و ضمیمه کردن است. (راغب، ۲۹۹/۳) البته «کتب» و «کتاب» در سخن معمولی یعنی متصل کردن بعضی از حروف به بعضی دیگر با خط و نوشتن. (همانجا، ۳۰۰/۳) هم چنین واژه کتابت به قضا و حکمی که حتمی و گذشته است و آنچه را که در حکم خدا قطعی و امضاشده و یا حکمتی که خدای متعال مقدور کرده است نیز اطلاق می گردد. (همان، ۳۰۱/۳) از مجموع این تعبیر چنین استفاده می شود که منظور از «کتب» در ارکان هستی، بال و پیشانی فرشتگان، عرش و ملزومات آن و ... تنها صرف نوشتن نیست؛ بلکه این امر دلالت دارد بر عجبین بودن سرشت این مخلوقات با باطن این اسماء. به طور کلی حکمت الهی بر آن تعلق گرفته است که نظام احسن او در آفرینش و هدایت و تربیت هستی براساس ولایت علوی که استمرار و مکمل ولایت نبوی است بنانهاده شود.

۱- نوشته شده بر پایه های عرش: «... کَتَبَ عَلَى قَوَائِمِهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ - مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ...» (مجلسی، ۱/۲۷، ۴۶/۷۴)؛ «(خداوند) بر پایه های آن (عرش) نوشت: لا اله الا الله، محمد رسول الله علی امیر المؤمنین»؛ ۲- نوشته شده بر پایه راست عرش: «... فَوَجَدْتُ عَلَى سَاقِ الْعَرْشِ الْأَيْمَنِ مَكْتُوبًا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا وَحْدِي لَا شَرِيكَ لِي مُحَمَّدٌ

رَسُولِي أَيَّدْتُهُ بِعَلِيٍّ» (همانجا، ۳۱۲/۱۸)؛ «(پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود): دیدم بر پایه‌ی راست عرش نوشته شده است: جز من خدایی نیست؛ یکتا و بدون شریک هستم. محمد صلی الله علیه و آله رسول من است که به وسیله‌ی علی علیه السلام او را مدد می‌رسانم»؛ ۳- نوشته شده بر ساق عرش: «... يَا مُحَمَّدٌ صلی الله علیه و آله أَوْصِيَاؤُكَ الْمَكْتُوبُونَ إِلَى سَاقِ عَرْشِي ... أَوْلَهُمْ عَلَى بَنِي أَبِي طَالِبٍ علیه السلام....» (همانجا، ۳۱۲/۵۲)؛ «یا محمد جانشینان تو کسانی هستند که اسامی آن‌ها بر ساق عرش نوشته شده است. اول آن‌ها علی بن ابی طالب علیه السلام بود»؛ ۴- نوشته شده بر دل عرش (بطنان عرش): (همانجا، ۴۶/۷۴)؛ ۵- نوشته شده بر پایه‌های کرسی: (همانجا، ۱/۲۷، ۴۶/۷۴)؛ ۶- نوشته شده در لوح: (همانجا)؛ ۷- نوشته شده بر سدره المنتهی: (همانجا، ۴۶/۷۴)؛ ۸- نوشته شده بر پیشانی اسرافیل: (همانجا، ۱/۲۷، ۴۶/۷۴)؛ ۹- نوشته شده بر بال جبرئیل: (همانجا)؛ ۱۰- نوشته شده بر اطراف آسمان‌ها: (همانجا)؛ ۱۱- نوشته شده بر در بهشت: «... رَأَيْتُ مَكْتُوباً عَلَيْهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ» (همانجا، ۳۳۹/۳۷)؛ «(پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند): ... دیدم روی آن (دری از درهای بهشت) نوشته شده بود: علی بن ابی طالب علیه السلام، امیرالمؤمنین است»؛ «... عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ مَكْتُوباً لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلَى وَلِيِّ اللَّهِ...» (حلی، کشف الیقین، ۴۵۹/۱)؛ «(پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند): ... بر در بهشت نوشته‌ای، به این عبارت دیدم: خدایی جز خدای یکتا نیست، محمد پیامبر خداست، علی حبیب خدا.» ۱۲- نوشته شده در بیت المعمور: «... إِنْ فِي الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ لِرَقَا مِنْ نُورٍ فِيهِ اسْمُ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ ...» (حر عاملی، الجواهر السنیة، ۲۰۴/۳)؛ «این‌که در بیت المعمور نوری وجود دارد که در آن نام‌های محمد، علی، ... است»؛ ۱۳- نوشته شده بر خورشید: (مجلسی، ۱/۲۷، ۴۶/۷۴)؛ ۱۴- نوشته شده بر ماه: (همانجا)؛ ۱۵- نوشته شده در کتاب پیامبران: «... فَقَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْهِمْ فِي كُتُبِهِمْ مِنْ فَضْلِهِ مَا أَنْزَلْنَا فِي كِتَابِكَ...» (برازش، ۲۸/۸)؛ «چون رسول خدا صلی الله علیه و آله را شبانه به معراج بردند و خداوند بلند مرتبگی و بزرگی علی علیه السلام نزد خویش را به پیامبر صلی الله علیه و آله ابلاغ فرمود و [پس از آن] پیامبر صلی الله علیه و آله به بیت المعمور بازگردانده شد و خداوند، پیامبران را برای او گرد آورد و آن‌ها پشت سر پیامبر صلی الله علیه و آله نماز

گزاردند، عظمت و بزرگی آنچه خدا در مورد علی علیه السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله ابلاغ نموده بود به ذهن رسول خدا صلی الله علیه و آله خطور کرد، در این هنگام خداوند این آیه را نازل فرمود: و اگر در آنچه بر تو نازل کرده‌ایم تردیدی داری، از کسانی که پیش از تو کتاب آسمانی را می‌خواندند پیرس. (یونس، ۹۴) یعنی از پیامبران گذشته پیرس چرا که فضیلت‌هایی که پیرامون علی علیه السلام در قرآن بر تو نازل کردیم بر آن پیامبران نیز در کتب آسمانی‌شان نازل نموده‌ایم؛ به یقین، «حق» از طرف پروردگارت به تو رسیده است بنابراین، هرگز از تردیدکنندگان مباش! [مسلماً او تردیدی نداشت! این درسی برای مردم بود!] و از آن‌ها مباش که آیات خدا را تکذیب کردند که از زیانکاران خواهی بود (یونس، ۹۵-۹۴) امام صادق علیه السلام [در ادامه] فرمود: «به خدا سوگند! پیامبر صلی الله علیه و آله هرگز شک و تردید به دل خود راه نداد و [چون تردید نداشت از پیامبران نیز] نپرسید»؛ ۱۶- نوشته شده بر سنگ (صخره) بیت المقدس: «... وَجَدْتُ عَلَى صَخْرَتِهَا مَكْتُوبًا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ أَيْدُنُهُ بِوَزِيرِهِ وَنَصْرَتُهُ بِوَزِيرِهِ فَقُلْتُ لِحَبْرَائِيلَ: مَنْ وَزِيرِي؟ فَقَالَ: عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام...» (مجلسی، ۴۶/۷۴)؛ «نوشته‌ای بر سنگ آن یافتیم: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» یاری کردم محمد را به وزیرش و به او تأیید کردم، به جبرئیل گفتم: وزیرم کیست؟ گفت: علی بن ابی طالب است»؛ ۱۷- نوشته شده در قله کوه‌ها: (همانجا، ۱/۲۷، ۴۶/۷۴)؛ ۱۸- نوشته شده در طبقات زمین‌ها: (همانجا). ۱۹- نوشته شده در مجرای آب: (همانجا).

۳-۳. تجلیات

در طی معراج که به قصد مشاهده برخی از بزرگ‌ترین آیات الهی تدوین شده است (همانجا، ۳۰۸/۱۸)، امیرالمؤمنین علیه السلام در تجلیات گوناگون مشاهده می‌شود. بدیهی است بزرگ‌ترین تماشایی هستی پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله است که فرشتگان در آسمان‌ها تشنه و شیفته تشرف به محضر او هستند (همانجا، ۳۸۷/۱۸)، کسی که امیرالمؤمنین علی علیه السلام مطیع‌ترین مردم نسبت به اوست (همانجا، ۳/۲۵)؛ اما وقتی قرار است خود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در معراج

به تماشا و مشاهده برود، مسلماً تماشایی‌ترین آیت و نشانه الهی خلیفه و جانشین اوست که به «آیت‌الله الکبری» ملقب آمده است. (همانجا، ۳/۳۱۵) از این‌رو معراج بستری عظیم‌تر و مناسب‌تر برای آشنایی با مقامات علوی است.

۱- نور علی علیه السلام: از آیه اول سوره «الاسراء» و آیه ۱۸ سوره «النجم» روشن می‌شود که هدف اصلی معراج، تماشای برخی از بزرگ‌ترین آیات الهی است. اگر «آیه» را به معنای «نشانه» قلمداد کنیم، بدیهی است که مهم‌ترین نشانه در علم و فرهنگ بشری «نور» است که مورد تأیید قرآن نیز می‌باشد. (النمل، ۷-۹؛ القصص، ۲۹-۳۰؛ النور، ۲۵؛ طه، ۱۰) اساساً نه تنها نور مهم‌ترین تماشایی است بلکه تماشای هر چیز دیگر در پرتو آن ممکن می‌شود.

«... أَوْحَى إِلَيَّ أَنْ تَلْفِتَ عَنْ يَمِينِ الْعَرْشِ فَالْتَفَتُ فَإِذَا عَلَيٌّ عليه السلام وَ... الْمَهْدِيُّ عليه السلام فِي ضَحْضَاحٍ مِنْ نُورٍ يُصَلُّونَ.» (حر عاملی، الجواهر السنية، ۲/۲۹۴)؛ «خداوند به من وحی فرمود: رو کن به سمت راست عرش. من به آن‌سو نگرستم و به ناگاه علی، ... و مهدی علیه السلام را در پرتویی از نور در حال نماز دیدم»؛ در بیان دیگر نبوی صلی الله علیه و آله نور حضرت علی علیه السلام و امامان پس از ایشان در معراج در بالای سر پیامبر صلی الله علیه و آله متجلی شده‌اند. (برازش، ۸/۳۰). به تصریح و تصدیق فرشتگان الهی در معراج حضرت علی علیه السلام و شیعیانش نور حول عرش خداوند هستند. (حر عاملی، الجواهر السنية، ۳/۲۰۴).

۲- خود علی علیه السلام: به تصریح بیان نبوی، پیامبر صلی الله علیه و آله در هر آسمانی علی بن ابیطالب علیه السلام را در حال نماز گزاردن دیده‌اند. (برازش، ۸/۳۲). به حضور علی علیه السلام در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله در مقام اوادنی نیز می‌توان اشاره کرد؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «شبی که مرا به آسمان بردند و به جایی رسیدم که فاصله دو قوس کمان یا کمتر بود خداوند به من وحی کرد: «نگاه کن». نگاه کردم ناگاه علی علیه السلام را دیدم که با من ایستاده با اینکه من پرده‌های آسمان‌ها را دریده بودم علی علیه السلام ایستاده بود و سر برافراشته بود، به آنچه خداوند می‌گفت، گوش می‌داد.» (مجلسی، ۲۵/۳۸۳).

۳- صورت علی علیه السلام: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آسمان پنجم با صورت علی علیه السلام مواجه می‌شوند

و با پرسش از جبرئیل معلوم می‌شود اشتیاق فرشتگان به زیارت صورت حضرت علی علیه السلام موجب آن شد که خداوند در آسمان پنجم از نور قدس خود صورتی از چهره علی علیه السلام برای فرشتگان بیافریند. پس (انگار) علی علیه السلام روز و شب در میان آنهاست و او را زیارت می‌کنند و به چهره‌اش می‌نگرند. (همانجا، ۲۲۸/۴۵).

۴- صدای علی علیه السلام: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مقصد نهایی معراج یعنی مقام «قرب اوادنی» با یکی از مهم‌ترین تجلیات علوی مواجه می‌شوند. لذا وقتی از آن حضرت صلی الله علیه و آله پرسیده شد: خدا در شب معراج با چه لغتی با تو سخن گفت و تو را مخاطب قرارداد؟ فرمود: مرا به لغت و بیان علی بن ابی طالب علیه السلام مخاطب قرارداد، سپس به من الهام کرد که بگو پروردگارا تو مرا مخاطب قراردادی یا علی علیه السلام؟ و خداوند فرمود: «تو را با زبان علی علیه السلام مخاطب قرار دادم تا دلت آرام بگیرد.» (همانجا، ۳۸۶/۱۸).

۵- ملک به صورت علی علیه السلام: «... فَخَلَقَ اللَّهُ تَعَالَى هَذَا الْمَلَكَ عَلَى صُورَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام تَحْتَ عَرْشِهِ لِيَنْظُرَ إِلَيْهِ الْعَرْشُ فَيَسْكُنَ شَوْقُهُ.» (همانجا، ۹۷/۳۹)؛ «پس خداوند متعال این فرشته را به زیر عرش، به شکل علی بن ابی طالب علیه السلام آفرید تا عرش او را ببیند و شوقش آرام گیرد.»

«... فَخَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهَا مَلَكًا عَلَى صُورَةِ عَلِيٍّ...» (حلی، کشف الیقین، ۴۵۸/۱)؛ «خداوند عز و جل برای آنها فرشته‌ای آفرید به چهره علی»؛ «رأى تحت العرش ملكا على صورة علي يسبح...» (نباطی بیاضی، ۲۴۴/۱)؛ «پیامبر صلی الله علیه و آله در شب معراج فرشته‌ای را به صورت علی در زیر عرش دید که تسبیح می‌گوید.»

۶- مثال علی علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله در شرح وقایع معراج برای امیرمومنان حضرت علی علیه السلام به وجود مثالی ایشان در معراج اشاره نموده و می‌فرمایند: «... خدا مثال تو را برایم حاضر کرد و ... درحالی که مثال تو پشت سر من بود.» (برازش، ۳۲/۸). وجود مثالی حضرت علی علیه السلام بیانگر معیت علوی با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در همه شئونات (به جز نبوت) می‌باشد.

۴- فضایل علوی از لحاظ نوع ارتباط

۴-۱. ارتباط با خدا

در این بخش آن دسته از فضائل علوی ذکر می‌شود که بیان‌کننده نسبتی از نسبت‌های حضرت علی علیه السلام با خداوند می‌باشند.

- ۱- ولی خدا (نمازی شاهرودی، ۳/۳۹۹)؛ ۲- حبیب خدا (صدوق، الخصال، ۱/۳۲۳)
- ۳- منتخب خدا (مجلسی، ۲۶/۳۰۷)؛ ۴- برگزیده خدا (حسینی استرآبادی، ۱/۷۴۹)؛
- ۵- جنب خدا (ابن شاذان القمی، ۸۷)؛ ۶- صدای خدا (خوارزمی، ۷۸)؛ ۷- شایسته
- رضای خدا (صدوق، امالی، ۶۳۱)؛ ۸- شایسته محبت خاص خدا (مازندرانی، شرح اصول
- کافی، ۴/۲۲۷)؛ ۹- شایسته اسم خدا (کراجکی، ۳۱۴)؛ ۱۰- شایسته علم خدا (اربلی،
- ۱/۳۸۰)؛ ۱۱- شایسته سلام خدا (نعمان مغربی، ۴۱۵)؛ ۱۲- شایسته ثنای الهی (مازندرانی،
- مناقب، ۲/۷۳)؛ ۱۳- مجرای رحمت خدا (حسینی بحرانی، ۴/۶)؛ ۱۴- وسیله شناخت
- دوست خدا و دشمن خدا (مجلسی، ۱۸/۳۴۱)؛ ۱۵- وسیله شناخت حزب خدا از حزب
- شیطان (همانجا)؛ ۱۶- وسیله پایداری دین خدا (همانجا)؛ ۱۷- وسیله حفظ حدود الهی
- (همانجا)؛ ۱۸- وسیله تنفیذ احکام الهی (همانجا)؛ ۱۹- خشم او عزت خدا (حسکانی،
- ۱/۴۶۲)؛ ۲۰- رضای او حکم خدا (همانجا)؛ ۲۱- محب او محب خدا (مجلسی، ۲۴/۳۶)؛
- ۲۲- دشمن او دشمن خدا (همانجا)؛ ۲۳- شک به او کفر به خدا (طوسی، ۱۴۲)؛
- ۲۴- ولایتش شرط ایمان به خدا (مجلسی، ۳۶/۲۱۶)؛ ۲۵- دوستی و اطاعتش شرط تقرب
- به خدا (حسینی استرآبادی، ۷۴۹)؛ ۲۶- کرامت او نزد خدا (موحدی ابطحی، ۱۷۹)؛
- ۲۷- شایسته فضائل و کرامات منحصر به فرد از جانب خدا (مجلسی، ۱۸/۳۰۰)؛ ۲۸- ملاک
- اطاعت و نافرمانی از خدا (بحرانی، غایه المرام، ۱/۱۸۲)؛ ۲۹- ملاک رد و قبول اعمال در نزد
- خدا (طبری، بشاره المصطفی، ۴۱)؛ ۳۰- شیر پیروز خدا (مرعشی نجفی، ۴/۲۷۹).

۴-۲. ارتباط با پیامبر صلی الله علیه و آله

اکنون به شمارش آن دسته از فضائل علوی پرداخته می‌شود که بیان‌کننده نسبتی از

نسبت‌های حضرت علی علیه السلام با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. همچنین جهت رعایت ایجاز و اختصار به شیوه قبل عمل می‌نماییم.

- ۱- حبیب حبیب خدا (مجلسی، ۳۰۴/۱۸۹)؛ ۲- عاشق‌ترین برای پیامبر صلی الله علیه و آله (قمی، تفسیر قمی، ۳۴۳/۲)؛ ۳- معیت مثالی علی علیه السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله (فیض کاشانی، تفسیر صافی، ۹۲/۵)؛ ۴- اشراف علی علیه السلام بر معراج پیامبر صلی الله علیه و آله (طبری، بشارت المصطفی، ۴۱)؛ ۵ - یگانگی نور علی علیه السلام با نور پیامبر صلی الله علیه و آله (مجلسی، ۳/۲۵)؛ ۶- یگانگی طینت علی علیه السلام با طینت پیامبر صلی الله علیه و آله (همانجا)؛ ۷- خلیفه و جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله (صدوق، کمال‌الدین، ۲۵۰)؛ ۸- وصی پیامبر صلی الله علیه و آله (قمی، تفسیر قمی، ۲۱/۱)؛ ۹- امین پیامبر صلی الله علیه و آله (مجلسی، ۳۰۴/۱۸۹)؛ ۱۰- بهترین برادر برای پیامبر صلی الله علیه و آله (صدوق، علل الشرایع، ۱۸۳/۱)؛ ۱۱- مثل هارون برای پیامبر صلی الله علیه و آله (همو، کمال‌الدین، ۲۵۰)؛ ۱۲- پدر فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله (موحدی ابطحی، ۱۷۴)؛ ۱۳- مطیع‌ترین مردم برای پیامبر صلی الله علیه و آله (طبری، نوادر المعجزات، ۷۴)؛ ۱۴- عروسی الحویزی، ۴۶۹/۴)؛ ۱۴- وزیر پیامبر صلی الله علیه و آله (مجلسی، ۶۸/۵۱)؛ ۱۵- مؤید الهی برای پیامبر صلی الله علیه و آله (همانجا، ۳۸۸/۱۸)؛ ۱۶- یاور الهی برای پیامبر صلی الله علیه و آله (طبرسی، مکارم الاخلاق، ۴۴۴)؛ ۱۷- وارث پیامبر صلی الله علیه و آله (صدوق، کمال‌الدین، ۲۵۰)؛ ۱۸- (به‌ویژه) وارث علم پیامبر صلی الله علیه و آله (مجلسی، ۶۸/۵۱)؛ ۱۹- (به‌ویژه) وارث پیراهن شب معراج پیامبر صلی الله علیه و آله (محدث نوری، ۲۷۹/۳)؛ ۲۰- صاحب‌لوائی پیامبر صلی الله علیه و آله در قیامت (حلی، المحاضر، ۱۴۰)؛ ۲۱- صاحب‌حوض پیامبر صلی الله علیه و آله در قیامت (مجلسی، ۲۷۶/۵۲)؛ ۲۲- شیعه علی علیه السلام، شیعه پیامبر صلی الله علیه و آله (حسینی استرآبادی، ۷۴۹)؛ ۲۳- دوستان علی علیه السلام، دوستان پیامبر صلی الله علیه و آله (همانجا)؛ ۲۴- علی علیه السلام و شیعیان و دوستانش در بهشت با پیامبر صلی الله علیه و آله (مجلسی، ۳/۲۵)؛ ۲۵- شگفتی پیامبر صلی الله علیه و آله از شنیدن فضائل علی علیه السلام (فیض کاشانی، تفسیر الاصفی، ۵۲۴/۱)؛ ۲۶- شایسته‌ترین مردم نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله (همانجا)؛ ۲۷- دریافت‌کننده نامه اعمال مردم از پیامبر صلی الله علیه و آله (صفار، ۲۱۲)؛ ۲۸- لایق تمام عطای الهی به پیامبر صلی الله علیه و آله به جز نبوت (فیض کاشانی، تفسیر صافی، ۹۲/۵)؛ ۲۹- پلنگ غضبناک (برای دفاع از پیامبر صلی الله علیه و آله) (ابن

طاووس، یقین، ۲۹۸؛ ۳۰- حق علی علیه السلام بر مردم مانند حق پیامبر صلی الله علیه و آله (مجلسی، ۶۸/۵۱).

۴-۳. ارتباط با خلق

هر یک از فضیلت‌های مطرح‌شده در این قسمت نشان‌دهنده نوعی از فضیلت و برتری حضرت علی علیه السلام بر تمام مردم است که در معراج پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیان شده‌اند. با رعایت ایجاز و اختصار به شیوه قبل عمل می‌نماییم.

- ۱- آقا و مولا (کورانی عاملی، ۹۲۳)؛ ۲- آقای تمام مؤمنان (مازندرانی، مناقب، ۲۱/۳)؛ ۳- آقای تمام اوصیای الهی (مجلسی، ۲۸۶/۲۶)؛ ۴- آقای تمام مسلمین (ابن طاووس، یقین، ص ۵۷۹)؛ ۵- حجت خدا بر بندگان (حرعاملی، الجواهر السنیة، ۲۳۰)؛ ۶- پرچم و نشان هدایت امت (همانجا)؛ ۷- کلمه ماندگار ملازم پرهیزکاران (جرجانی، ۲۲/۵)؛ ۸- پیشوای پرهیزگاران (مفید، ۱۷۳)؛ ۹- رهبر سفیدرویان (همانجا)؛ ۱۰- پیشوای اولیای الهی (طباطبایی، ۲۰/۱۳)؛ ۱۱- پیشوای اهل طاعت (همانجا)؛ ۱۲- امیرمؤمنان (مجلسی، ۳۳۹/۳۷)؛ ۱۳- نور مطیعان خدا (قمی، تفسیر قمی، ۳۴۳/۲)؛ ۱۴- عادل‌ترین مردم (ابن‌کرامه، ۱۰۷)؛ ۱۵- نیکوترین و بهترین مردم (همانجا)؛ ۱۶- راست‌گوترین مردم (همانجا)؛ ۱۷- گرامی‌ترین جانشین (مجلسی، ۳۷۰/۱۸)؛ ۱۸- کشتی نجات (فیض کاشانی، تفسیر صافی، ۸۵/۵)؛ ۱۹- یا علی گفتن کوبه در بهشت (صدوق، امالی، ۴۷۱).

اگرچه فضائل علوی مطرح‌شده در معراج از لحاظ میزان اهمیت، دارای مراتب متفاوتی می‌باشند و این یک حقیقت غیرقابل‌انکار است! اما این پژوهش به لحاظ قصد جامعیت خود به حذف هیچ‌کدام از آن‌ها نپرداخت. از طرفی گاهی ضعف در فقه الحدیث موجب کم‌اهمیت‌تر جلوه دادن فضیلتی می‌شود. به عنوان مثال فضیلت شماره ۱۵ «وارث پیراهن شب معراج پیامبر صلی الله علیه و آله» در نگاه اول با بعضی از فضائل دیگر قابل مقایسه نیست، اما وقتی به حقیقت پیراهن که نماد کسوت است توجه کنیم نشان از لیاقت و توانایی، نشان از شایستگی همراهی (معیت) امیرالمؤمنین علیه السلام با رسول خدا صلی الله علیه و آله دارد.

۵- امیرالمؤمنین (ع)

یکی از فضائل علوی که از القاب خاص آن حضرت به شمار می رود؛ لقب «امیرالمؤمنین» است. این لقب در معراج پیامبر (ص) کشف می گردد و بیان آن پس از معراج صورت می گیرد.

۵-۱. واژه شناسی

امر در لغت به معنای دستور، فرمان و یا به معنای قدرت و سلطه به کار می رود. ازاین رو «اولوالأمر» به بزرگان، مهتران، اولیاء امور، متولیان امور، اطلاق می گردد؛ و «صاحب امر و نهی» یعنی صاحب قدرت، قدرت مطلقه. امیر به معنای فرمانده و فرمانده نظامی یا متولی امر به کار می رود؛ و امیرالمؤمنین یعنی سرور مؤمنان. (قیم، ۱/۲۷۰) امیر بر وزن فعلیل صفت مشبیه است و بر شخصی که دارای صفت ثابت، امارت و فرمانروایی است دلالت دارد. پس امیرالمؤمنین یعنی شخصی که از نقطه نظر ایمان، رئیس و سپه سالار مؤمنین است. (حسینی طهرانی، ۲/۳۵)

در روایت زیر با تعبیر دیگری از وجه تسمیه حضرت علی (ع) به امیرالمؤمنین مواجه می شویم. احمدبن عمر گوید: از امام کاظم (ع) پرسیدم: «لِمَ سُمِّيَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (ع) قَالَ لِأَنَّهُ يَمِيرُهُمُ الْعِلْمَ أَمَا سَمِعْتَ فِي كِتَابِ اللَّهِ وَ نَمِيرُ أَهْلَنَا». (مجلسی، ۳۷/۲۹۳) «فدایتان شوم! چرا امیرمؤمنان (ع)، امیرمؤمنان نامیده شد؟» فرمود: «چون آذوقه ای که امام (ع) به آنان می دهد، دانش است؛ مگر این سخن خداوند نَمِيرُ أَهْلَنَا را نشنیده ای؟!»

واژه امیر با در نظر گرفتن هر دو معنا می تواند دلالت بر آن داشته باشد که امیرالمؤمنین (ع) تنها متکفل رزق مادی فرمان برداران خویش یعنی مؤمنین نیست، بلکه توزیع کننده روزی معنوی آنان نیز می باشد.

۵-۲. اهمیت این لقب

امیرالمؤمنین یکی از مهم ترین القاب حضرت است و در میان سایر القابی همچون

«سیدالمسلمین»، «يعسوب الدين»، «قائدالغرامحجلین»، «امام البرره»، «قاتل الفجره»، «خليفه رسول الله» و «وصيه» و «وزير» و امثال آن از اهميت و درجه بالاتری برخوردار است و به همین جهت رسول الله صلی الله علیه و آله مردم را امر کردند که به حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام سلام نموده و او را بدین لقب نام برند و تحیت بگویند. (حسینی طهرانی، ۳۵/۲)

فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در خطبه غدیر بیانگر آن است که از شرایط رستگاری پس از بیعت با حضرت علی علیه السلام و پذیرش ولایت ایشان، سلام کردن بر آن حضرت با لقب امیرالمؤمنین علیه السلام است. در روایتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «مَعَاشِرَ النَّاسِ، السَّابِقُونَ إِلَى مُبَايَعَتِهِ وَ مُوالاتِهِ وَ التَّسْلِيمِ عَلَيْهِ بِإِمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ.» (فیض کاشانی، تفسیر صافی، ۵۳/۲). «هان مردمان! سبقت جویان به بیعت و پیمان و سرپرستی او و سلام بر او با لقب امیرالمؤمنین، رستگاران اند و در بهشت‌های پربهره خواهند بود.»

نکته بسیار مهم در اهميت فوق‌العاده این لقب آن است که وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عالی‌ترین مرحله از معراج یعنی مقام قرب «اودانی» رسید، در آن خلوت، مرتبت و موقعیتی که جبرئیل امین هم‌توان و اذن حضور نداشت، پس از نزول آیه «فَأَوْحَىٰ إِلَىٰ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ» از خداوند شنید: «يَا مُحَمَّدُ صلی الله علیه و آله اقْرَأْ عَلَيَّ بَنِي أَبِي طَالِبٍ علیه السلام أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ»؛ «ای محمد صلی الله علیه و آله علی بن ابی طالب را امیرالمؤمنین بخوان.» (مجلسی، ۲۹۰/۳۷)

در زیارت هفتم حضرت علی علیه السلام در مفاتیح‌الجنان آمده است: «السَّلَامُ عَلَيَّ مَنْ خَاطَبَهُ جَبْرَائِيلُ بِإِمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ بَغَيْرِ ارْتِيَابٍ»، «سلام بر کسی که جبرئیل او را بدون شک با لقب امیرالمؤمنین علیه السلام مورد خطاب قرارداد.» (قمی، مفاتیح‌الجنان، ۵۸۹)

۵-۳. امیرالمؤمنین برترین مخاطب

این لقب عنوان اعتباری نیست، بلکه بیان حقیقی است و کشف سری که در آن حضرت موجود بوده است، چون امیر و رئیس به هر چه اضافه شود راجع به معنی و حقیقت آن شیء است. امیر جیش یعنی شخصی که از نقطه‌نظر فن رزم آزمائی بر تمام جیش مقدم است و

امیرالامراء یعنی شخصی که از نقطه نظر امارت بر سایر امراء برتری دارد. ابن عباس گوید: رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «مَا أُنْزِلَ اللَّهُ آيَةً فِيهَا يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِلَّا وَ عَلِيٌّ رَأْسُهَا وَ أَمِيرُهَا» (مجلسی، ۳۵/۳۵). «در هر آیه‌ای که: «یا ایها الذین آمنوا» آمده باشد، علی ﷺ در رأس آن و امیر آن است.» بنابراین هر جا که در قرآن «یا ایها الذین آمنوا» گفته شده یا خطاب به مؤمنین بدون این لفظ بوده یا تعریف و تمجید از مؤمنین شده و به خصلتی آنان را ستوده در رأس و طلیعه آن امیرالمؤمنین ﷺ قرار دارد. (حسینی طهرانی، ۳۵/۲)

۵-۴. امیرالمؤمنین پس از شهادتین

وجود امیرالمؤمنین ﷺ در تمام شئون به جز نبوت با پیامبر اکرم ﷺ همراهی، همگونی و هماهنگی دارد. نور (مجلسی، ۳/۲۵)، طینت (همانجا) و ریشه (قمی، مفاتیح الجنان، ۸۸۲) آن دو یکی است. اصلاً یگانگی این دو به قدری است که قرآن امیرالمؤمنین ﷺ را «نفس» پیامبر ﷺ معرفی می‌نماید. (آل عمران، ۶۱). در اجتماع عظیم پیامبران الهی و نماز باشکوه آنان در معراج پشت سر رسول خدا ﷺ نیز اصرار بر شهادت دادن بر ولایت علوی پس از شهادتین مشهود است. آیه «... أَكْمَلْتُ...» (المائدة، ۳) نیز اكمال دین و اتمام نعمت الهی را درگرو ولایت علوی دانسته است. مجموعه این مباحث و محتوای حدیث ذیل (علاوه بر بیان فضیلتی از فضائل علوی) دلایل روشنی بر لزوم وجود این شهادت در اذان هستند. امام صادق ﷺ در روایتی فرمود: «... فَإِذَا قَالَ أَحَدُكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ فَلْيَقُلْ عَلِيٌّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَلِيُّ اللَّهِ». (طبرسی، الاحتجاج، ۸۳) «وقتی یکی از شما به زبان آورد «لا اله الا الله محمد رسول الله»، پس باید بگوید: علی امیرالمؤمنین ولی الله.»

۵-۵. معراج و امیرالمؤمنین ﷺ

این لقب در معراج از زبان خداوند، جبرئیل، فرشتگان، انبیاء ﷺ، حوریه علی ﷺ (عاملی، اثبات الهداه، ۵۹/۳) مطرح شده است و بر درب‌های بهشت هشتگانه (مجلسی، ۳۳۹/۳۷)

نوشته شده است. در روایتی از ابن عباس آمده است: «به خدا قسم ما به علی بن ابی طالب علیه السلام، امیرالمؤمنین نگفتیم تا اینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله او را امیرالمؤمنین نامیدند.» (همانجا)

۵-۵-۱. انحصار لقب امیرالمؤمنین علیه السلام

خداوند در نهایی ترین مقصد معراج یعنی مقام قرب «اوادنی» پس از صدور فرمان امیرالمؤمنین خواندن حضرت علی علیه السلام در مورد انحصار این لقب می فرماید: «فَمَا سَمَّيْتُ بِهِ أَحَدًا قَبْلَهُ وَلَا أُسَمِّي بِهِ أَحَدًا بَعْدَهُ.» (همان، ۲۹۰/۳۷)، «پس قبل از او این نام را بر هیچ کس ننهادم و بعد از او نیز این نام را بر هیچ کس نمی نهم.»

لذا در خطبه غدیر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در بیان این انحصار این چنین اشاره می فرماید: «أَلَا إِنَّهُ لَا «أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ» غَيْرَ أُخِي هَذَا.» (حلی، عدد القویه، ۱/۱۷۴) هرگز به جز این برادرم کسی امیرالمؤمنین علیه السلام نیست (و نباید به این لقب خوانده شود).

در همین زمینه وقتی از امام صادق علیه السلام سؤال شد که آیا به امام قائم به عنوان امیرالمؤمنین سلام می کنند؟ فرمودند: نه آن نام را خدا مخصوص امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام نموده پیش از او کسی بدان نام، نامیده نشده و بعد از او هم جز کافر آن نام را بر خود نبندد. (مازندرانی، شرح اصول کافی، ۱/۴۱۱) بنابراین این لقب، لقبی منحصر به فرد است به طوری که حتی در توصیف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اعمال نشده است و همچنین به امامان علیهم السلام از نسل امام علی علیه السلام نیز تعلق نمی گیرد. (مجلسی، ۲۹۰/۳۷)

انحصار لقب امیرالمؤمنین علی علیه السلام با مقامات نبوی صلی الله علیه و آله در تقابل و تعارض نیست چرا که به شهادت خود پیامبر صلی الله علیه و آله در مقام قرب «اوادنی» در خلوت خاص الهی با ایشان علی علیه السلام به عنوان مطیع ترین فرد نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی می شود. (همانجا، ۳/۲۵)، در مورد سایر امامان علیهم السلام نیز به این دلیل که امیرالمؤمنین در بعضی از روایات متضمن خلافت بلا فصل است فقط اختصاص به امام علی علیه السلام خواهد داشت.

وسعت امارت امیرالمؤمنین علی علیه السلام تمام آسمان ها و زمین را فرا گرفته است؛ یعنی علاوه بر

مؤمنین در زمین، تمام سکان آسمان‌ها که در زمره مؤمنین به شمار می‌آیند، تحت فرمان ایشان هستند. هم‌چنین مدت این امارت تمام ماکان و تمام مایکون از مؤمنین را دربرمی‌گیرد، چنانچه در روایت نبوی آمده است: «فَأَنْتَ يَا عَلِيُّ أَمِيرٌ مِنْ فِي السَّمَاءِ وَأَمِيرٌ مِنْ فِي الْأَرْضِ وَأَمِيرٌ مِنْ مَضَى وَأَمِيرٌ مِنْ بَقَى. فَلَا أَمِيرَ قَبْلَكَ وَلَا أَمِيرَ بَعْدَكَ.» (حر عاملی، اثبات الهداه، ۱۶۰/۲)؛ «پس توای علی، امیر و (فرمانروای) اهل آسمان و امیر اهل زمین هستی، امیر گذشتگان و امیر بازماندگانی، پیش از تو امیری نبوده است و پس از تو نیز نخواهد بود».

۵-۲. امیرالمؤمنین علیه السلام و بنیان‌های نظام هستی

گاهی روایات شرح دهنده معراج به شرح بنیان‌های آفرینش هستی و ملکوت آن نیز پرداخته‌اند. چنان‌که از روایت امام صادق علیه السلام برمی‌آید که در کنار دو عبارت «لا اله الا الله» و «محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم» این عبارت «علیُّ امیرالمؤمنین» است که خداوند در ابتدای خلقت بر پایه‌های عرش، مجرای آب، پایه‌های کرسی، در لوح، بر پیشانی اسرافیل، بر بال‌های جبرئیل، در اکناف آسمان‌ها، در طبقات زمین، در قله‌های کوه‌ها، بر خورشید و بر ماه نوشته است و روشن است که عبارت «کتب علی» تنها ناظر بر نگارش نیست؛ بلکه دال بر بنیان و اساس خلقت بر این اعتقاد می‌باشد. (طبرسی، الاحتجاج، ۸۳)

۵-۳. سلام بر امیرالمؤمنین علیه السلام

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در معراج آنگاه که به مقام قرب «اوادنی» رسید، به دستور الهی مأمور شد علی بن ابی طالب را امیرالمؤمنین بخواند. (مجلسی، ۲۹۰/۳۷). چنین امری در چنین مرحله‌ای از معراج که مرحله‌ای فراتر از آن نیست مستلزم اهمیت وصف‌ناپذیر است. اکنون با شرح یک روایت ماجرای دستور سلام بر علی بن ابیطالب علیه السلام با لقب امیرالمؤمنین مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.

در روایتی که ابن عباس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند، آمده است: «کنا نحن مارین فی

أزقة المدينة يوماً إذ أقبل على بن أبي طالب عليه السلام، فقال: السّلام عليك يا رسول الله ورحمة الله وبركاته فقال: و عليك السلام يا امير المؤمنين، كيف أصبحت؟ فقال: أصبحت و نومي خطرات و يقظتي فرغات و فكرتي في يوم الممات. قال ابن عباس: فعجبت من قول رسول الله صلی الله علیه و آله في علي عليه السلام. فقلت: يا رسول الله؛ ما الذي قلت في ابن عمي، أحباً له أم شيئاً من عند الله؟ قال: لا و الله ما قلت فيه شيئاً إلا رأيت بعيني. قلت: و ما الذي رأيت يا رسول الله؟ قال: ليلة أسرى بي في السماء ما مررت بباب من أبواب الجنة إلا و رأيت مكتوباً عليه: علي بن أبي طالب امير المؤمنين من قبل أن يخلق آدم بسبعين ألف عام.» (همانجا، ۳۳۹/۳۷).

«روزی در مدینه (کنار پیامبر صلی الله علیه و آله) بودیم که حضرت علی علیه السلام آمد و به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد «السّلام عليك يا رسول الله ورحمة الله وبركاته» و پیامبر هم در جواب او فرمود: و سلام بر توای امیرالمؤمنین. در این هنگام من از این کلام پیامبر تعجب کردم و به پیامبر گفتم: آیا این لقبی که به علی علیه السلام دادید از روی محبت شما به علی علیه السلام است، یا اینکه دستوری است از طرف خدا؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: به خدا قسم هیچ چیزی درباره علی علیه السلام نگفتم، مگر اینکه آن را با چشم خود دیده‌ام. سؤال کردم: ای رسول خدا، در مورد علی علیه السلام چه دیده‌اید؟! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: شبی که مرا به آسمان بردند بر هیچ دری از درهای بهشت نرفتم، مگر اینکه روی آن در نوشته شده بود: علی بن ابی طالب علیه السلام، امیرالمؤمنین علیه السلام است؛ هفتاد هزار سال قبل از اینکه حضرت آدم علیه السلام خلق شود.»

با توجه به حدیث فوق که از غرر روایات شیعه است، سؤالاتی را در تبیین مفاد آن مطرح می‌نماییم و با پاسخ آن‌ها به تحلیل این حدیث شریف می‌پردازیم.

- ۱- چرا باید این لقب در معراج معرفی شود؟
- ۲- چرا بر تمام درب‌های بهشت این عبارت نوشته شده است؟
- ۳- چرا هفتاد هزار سال قبل از آفرینش آدم علیه السلام او امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است؟
- ۴- چرا به این هفتاد هزار سال اشاره و تأکید شده است؟

پاسخ سؤال اول: اولویت و عظمت لقب «امیرالمؤمنین» آن چنان است که باید در مرتبتی بالاتر از عالم ملک، یعنی گستره عالم ملکوت تبیین گردد. اصولاً تمام مسائل و فضائل مطرح شده در معراج به جهت ارتقاء و ارتفاع مقوله معراج از موقعیت و منزلت برتری برخوردارند.

پاسخ سؤال دوم: نوشته سر در هر ملکی یا معرف مالکان آن است یا شناسنامه محبوبان ساکنان آن. هم چنین با توجه به معنای امیرالمؤمنین علیه السلام، نگارش این عبارت بر درب های بهشت های هشتگانه اشاره بر فرمانروایی حضرت علی علیه السلام بر بهشت و اهل آن دارد. البته نباید از کنار این مطلب لطیف و ظریف هم گذشت که گاهی نوشته بر سر در هر ملکی نماد حرز و حراست آن است! از این جهت می توان گفت پس از اعتقاد به توحید و رسالت، کمال حفظ و حراست و امان بهشت و اهل آن به امارت حضرت علی علیه السلام است.

در همین زمینه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «أَنَّ حَلَقَةَ بَابِ الْجَنَّةِ مِنْ يَأْقُوتَةٍ حُمْرَاءَ عَلَى صَفَائِحَ مِنَ الذَّهَبِ فَإِذَا دُقَّتِ الْحَلَقَةُ عَلَى الصَّحِيفَةِ طَنَّتْ وَقَالَتْ يَا عَلِيَّ» (صدوق، امالی، ۴۷۱)؛ «کوبه ی در بهشت از جنس یاقوت سرخ است و صفحه اش از طلا، وقتی کوبه در به صفحه می خورد صدا می آید: یا علی!»

جواد آملی از قول طباطبایی می گوید: طباطبایی در شرح این حدیث و این که چرا صدای کوبه ی در بهشت «یا علی» است می فرمود: مهمان وقتی به خانه ای می رود، صاحب خانه را صدا می زند؛ اگر صاحب خانه نام معینی داشته باشد، مهمان همان نام معین را می برد. صاحب بهشت و مهماندار بهشت، علی بن ابی طالب علیه السلام است؛ از این رو، صدای کوبه در بهشت هم «یا علی» است. چون هر کس به بهشت می رود در سایه هدایت و رهبری این خاندان و مهمان این خاندان است. اگر این انوار طیبه نبودند، کسی راه بهشت را طی نمی کرد. ما به خوبی می توانیم احساس کنیم که الان در بهشت هستیم یا نه! در بهشت به روی ما باز است یا نه! (جواد آملی، ۲۵۴)

پاسخ سؤال سوم: محدوده زمانی امارت حضرت علی علیه السلام بر مؤمنین فراتر از تاریخ زندگی بشری است و ریشه در آغازینه آفرینش دارد. این که علی علیه السلام امیرالمؤمنین علیه السلام بود از

هفتاد هزار سال قبل از آفرینش حضرت آدم علیه السلام اشاره به انتساب الهی دارد، برگزیدگی علی علیه السلام قبل از خلقت ما خلق مؤید روایاتی است که به آفرینش نورعلی علیه السلام پیش از آفرینش هر چیز اشاره دارند و دلالت دارد بر این که امیرمومنان علیه السلام بودن تنها یک منصب سیاسی صرف نیست؛ بلکه یک منصب تکوینی و ملکوتی است که قدمت آن به هزاران سال قبل از آفرینش بشر می‌رسد و سیطره آن به گونه‌ای است که بر تمام اهالی بهشت‌های هشت گانه احاطه دارد.

پاسخ سؤال چهارم: واضح است که عدد هفتاد دلالت بر کثرت و کمال دارد، پس آنگاه که عدد هزار که خود نیز از مظاهر کثرت و کمال است، مکمل آن می‌شود، بیانگر مدت زمانی فراتر از حد و حساب‌های متعارف بشری است. از طرفی برتری و کمال واژه سال نسبت به روز و ماه بر مبلغ مبالغه این بازه زمانی می‌افزاید. به همین دلیل: اشاره و تأکید به این عدد آن هم قبل از آفرینش حضرت آدم علیه السلام، نشانه تقدیم و تقدم، تثبیت و اثبات، تحکیم و استحکام حکم آن می‌باشد و جامعیت و مانعیت آن کافی و وافی و احسن و اجمل است و هرگز قابل انتقال به هیچ کس دیگری نیست.

ابن عباس که در مقایسه با بسیاری از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام از شناخت بیشتری برخوردار است، هم در انطباق و اتحاد محبت نبوی با محبت خداوند شک دارد و هم از مقام حضرت علی علیه السلام شگفت‌زده می‌شود. انگار پیامبر صلی الله علیه و آله را متهم به اقدام بر اساس تمایلات شخصی نموده و ایشان را معصوم نمی‌داند! شگفتی او از تبلیغ این لقب نیز نشانه ضعف نفسانی او در پذیرش این امارت است. حال اگر ابن عباس این گونه است دیگر چگونگی دیدگاه اکثریت اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله معلوم است. به عنوان مثال در تفسیر سه آیه اول سوره «المعارج» در تفاسیر روایی (برازش، ۱۶/۱۷) با کسانی مواجه می‌شویم که حاضرند به عذاب الهی نائل آیند اما زیر بار پذیرش فضایل علوی علیه السلام نروند. دعای ندبه هم در این زمینه با اشاره به پر شدن دل‌های بزرگان عرب از کینه‌های بدر و خیبر و حنین و غیر از آن‌ها تصویری تحلیلی از موقعیت افراد جامعه نبوی نسبت به فضائل علوی و مقامات ایشان ارائه می‌دهد. (قمی، مفاتیح الجنان،

۸۸۴) با این تفاسیر به نظر می‌رسد معراج فرصتی برای دلجویی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مقابل آن‌همه دشمنی‌ها و بی‌تفاوتی‌های مردم نسبت به حضرت علی علیه السلام و فضائل اوست و نور عشق‌ورزی به علی بن ابی‌طالب علیه السلام در ملکوت اعلا از اشیاء گرفته تا انبیاء علیهم السلام و فرشتگان و در نهایت خود خداوند موجب آرامش و بهجت رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌شود. (مجلسی، ۳۸۶/۱۸) متذکر می‌گردد که سنت دلجوئی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در هجوم محنت‌ها در شان نزول سوره «الضحی»، «الانشراح» و «الکوثر» مشهود است.

۶- نتایج مقاله

۱-۶. اصولاً تمام مسائل و فضائل مطرح‌شده در معراج به جهت ارتقاء و ارتفاع مقوله معراج دارای موقعیت و منزلت فوق‌العاده‌ای هستند. معراج از تعالی تشریفات و گستردگی امکانات و فراوانی استعداد بهره‌مند بوده و جذابیت فضای فوق‌العاده شگفت‌انگیز آن بی‌نظیر است، لذا تعظیم و تکریم مقامات و کرامات علوی در این عرصه نه تنها از ارزش‌های والاتری برخوردار است، بلکه جبران‌کننده تنگنای عالم ملک در تبیین این فضائل می‌باشد.

۲-۶. معراج هم بازتاب عبادت است «أَسْرَى بِعَبْدِهِ» (الاسراء، ۱)، هم بالاترین عبادت «فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى» (النجم، ۹)، هم سبب تقرب است و هم نماد آن، بنابراین مرور مقامات و فضائل علوی از ابتدا تا انتهای آن نشان می‌دهد، گفتن، شنیدن و دیدن مدایح علوی از مهم‌ترین عبادات است.

۳-۶. اولویت و عظمت برخی از فضائل علوی مثل لقب «امیرالمؤمنین علیه السلام» آن‌چنان است که باید در مرتبتی فراتر از عالم ملک، یعنی گستره عالم ملکوت تبیین گردند.

۴-۶. معراج بر جنبه‌های ملکوتی، تکوینی و قدمت فضائل علوی مثل لقب «امیرالمؤمنین علیه السلام» تکیه و تأکید دارد.

۵-۶. در طی مراحل گوناگون معراج پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، کثرت گویندگان فضائل علوی و عظمتشان آنان (اعم از خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله و جبرئیل علیه السلام و انبیاء علیهم السلام و فرشتگان و حوریه حضرت علی علیه السلام) هم‌چنین وجود مکتوبات متعدد در این زمینه و فراوانی تجلیات علوی

نه تنها دلالت بر اولویت، عظمت و اهمیت فوق العاده این فضائل دارند، بلکه نشان می‌دهند یکی از مهم‌ترین اهداف معراج پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تبیین و تبلیغ این فضائل و مقامات است و به‌طور کلی این ابلاغ از ارکان اصلی معراج به شمار می‌آید.

۶-۶. از آنجا که معراج که تجلی‌گاه عشق و اشتیاق عوالم ملکوت به حضرت علی علیه السلام بوده و بزرگ‌ترین مجتمع هم‌نوایی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با پیامبران الهی و فرشتگان در گواهی دادن بر ولایت علوی می‌باشد و در نهایت محل ظهور محبت بی‌ظیر خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله به ایشان است می‌تواند فرصتی مناسب برای دلجوئی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مقابل آن‌همه دشمنی‌ها و بی‌تفاوتی‌های مردم نسبت به حضرت علی علیه السلام و فضائل ایشان باشد.

۶-۷. لقب «امیرالمؤمنین علیه السلام» در شان حضرت علی علیه السلام در معراج صادر و از آنجا ابلاغ شده است. این لقب که نسبت به سایر القاب ایشان از جامعیت نسبی برخوردار است، منحصر به فرد بوده و می‌تواند دال بر ولایت علوی و خلافت بلا فصل ایشان باشد. این‌که مسلمانان در زمان حیات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مأمور به سلام بر حضرت علی علیه السلام با لقب «امیرالمؤمنین علیه السلام» بودند مزید بر آن دلیل است.

کتابشناسی

۱. قرآن کریم.
۲. ابن شاذان القمی، محمد بن أحمد بن الحسن، مائة منقبة فی فضایل و مناقب أمير المؤمنين و الائمة من ولده عليه السلام، قم، مدرسه الامام المهدي عليه السلام، ۱۴۰۷ ق.
۳. ابن طاووس، سيد علی بن موسی، التحصين، قم، مؤسسه دارالکتاب، ۱۴۱۳ ق.
۴. همو، اليقين، قم، مؤسسه دارالکتاب، ۱۴۱۳ ق.
۵. ابن کرامه، شرف الاسلام بن سعيد المحسن، تنبيه الغافلين عن فضایل الطالبين، تحقيق سيدتحسين آل شبيب، قم، نشر مرکز الغدير للدراسات الاسلاميه، ۱۴۲۰ ق.
۶. اربلي، علی بن عيسى، كشف الغمة، تبريز، چاپ مكتبة بنی هاشمی، ۱۳۸۱ ق.
۷. بحراني، هاشم بن سليمان، مدینه معاجز الائمة الاثني عشر و دلائل الحجج علی البشر، قم، مؤسسه المعارف الاسلاميه، ۱۴۱۳ ق.
۸. همو، غاية المرام و حجة الخصام فی تعيين الامام من طريق الخاص و العام، بيروت، مؤسسه التاريخ العربي، ۱۴۲۲ ق.
۹. برازش، غلیرضا، تفسير اهل بيت عليهم السلام، تهران، اميرکبير، ۱۳۹۴ ش.
۱۰. جرجانی، ابوالمحاسن الحسين بن حسن، تفسير گازر، تهران، چاپخانه دانشگاه تهران، ۱۳۳۷ ش.
۱۱. جوادى آملی، عبدالله، قم، حکمت عبادات، اسراء، ۱۳۷۸ ش.
۱۲. حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه فی الاحاديث القدسيه، بيروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۲ ق.
۱۳. همو، إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، بيروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۵ ق.
۱۴. حسکانی، حاکم، شواهد التنزيل، تهران، مؤسسه چاپ و نشر، ۱۴۱۱ ق.
۱۵. حسینی استرآبادی، سيد شرف الدين، تأويل الايات الظاهره، قم، انتشارات جامعه مدرسين، ۱۴۰۹ ق.
۱۶. حسینی بحرانی، سيدهاشم، تفسير البرهان، تهران، انتشارات بنياد بعثت، ۱۴۱۵ ق.
۱۷. حسینی طهرانی، سيدمحمدحسين، امام شناسی، مشهد، مؤسسه ترجمه و نشر دوره علوم و معارف اسلام، ۱۴۲۲ ق.
۱۸. حلی، حسن بن سليمان، المحتضر، قم، منشورات المطبعة الحيدريه، ۱۳۷۰ ق.
۱۹. حلی، حسن بن يوسف، كشف اليقين فی فضائل أمير المؤمنين عليه السلام، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، ۱۴۱۱ ق.
۲۰. همو، العدد القوية لدفع المخاوف اليومية، قم، مكتبة آية الله المرعشي العامة، ۱۴۰۸ ق.
۲۱. خوارزمي، الموفق بن أحمد بن محمد، المناقب، قم، مؤسسه النشر الاسلامي، ۱۴۱۱ ق.
۲۲. راغب اصفهانی، حسين بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بيروت، دارالشاميه، ۱۴۱۲ ق.
۲۳. صدوق، محمد بن علی بن بابويه قمي، الخصال، قم، انتشارات جامعه مدرسين، ۱۴۰۳ ق.
۲۴. همو، امالي، تهران، انتشارات کتابخانه اسلاميه، ۱۴۰۴ ق.
۲۵. همو، کمال الدين، قم، دارالکتب الإسلاميه، ۱۳۹۵ ق.
۲۶. همو، علل الشرايع، قم، انتشارات مكتبة الداوری، ۱۳۸۵ ق.
۲۷. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، قم، انتشارات کتابخانه آيت الله مرعشي، ۱۴۰۴ ق.
۲۸. طباطبائي، سيدمحمدحسين، تفسير الميزان، قم، انتشارات بنياد علمي و فکري علامه طباطبائي، ۱۳۷۶ ش.
۲۹. طبرسي، ابومنصور احمد بن علی، الإحتجاج، مشهد، نشر مرتضى، ۱۴۰۳ ق.

۳۰. طبرسی، رضی‌الدین حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، قم، انتشارات شریف رضی، ۱۴۱۲ ق.
۳۱. طبری، عمادالدین، بشارة المصطفی، نجف، چاپ کتابخانه حیدریه، ۱۳۸۳ ق.
۳۲. طبری، محمد بن جریر، نوادر المعجزات، قم، مؤسسه الامام المهدی علیه السلام، ۱۴۱۰ ق.
۳۳. طوسی، ابن حمزه، الثاقب فی المناقب، قم، مؤسسه انصاریان، ۱۴۱۲ ق.
۳۴. عروسی الحویزی، الشیخ عبد علی بن جمعه، تفسیر نورالتقلین، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۲ ق.
۳۵. فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر الأصفی، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۸ ق.
۳۶. همو، تفسیر صافی، مشهد، انتشارات دارالمرتضی، ۱۴۱۱ ق.
۳۷. قمی، عباس، مفاتیح الجنان، تهران، نشر الهادی، ۱۳۷۹ ش.
۳۸. قمی، علی بن ابراهیم بن هاشم، تفسیر قمی، قم، انتشارات مؤسسه دارالکتاب، ۱۴۰۴ ق.
۳۹. قیم، عبدالنبی، فرهنگ معاصر عربی به فارسی، تهران، نشر فرهنگ معاصر، چاپ دوم، ۱۴۰۰ ش.
۴۰. کراجکی، ابی‌الفتح محمد بن علی، کنز الفوائد، قم، مکتبه المصطفی، ۱۴۱۰ ق.
۴۱. کورانی عاملی، علی، العقائد الاسلامیه، چهار جلد، قم، مرکز المصطفی للدراسات الاسلامیه، ۱۴۲۲ ق.
۴۲. مازندرانی، ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی‌طالب علیهم السلام، قم، مؤسسه انتشارات علامه، ۱۳۷۹ ق.
۴۳. مازندرانی، محمد صالح بن احمد، شرح أصول الکافی، تهران، المکتبه الاسلامیه للنشر و التوزیع، ۱۳۸۲ ق.
۴۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، انتشارات مؤسسه الوفا، ۱۴۰۴ ق.
۴۵. مرعشی نجفی، شرح احقاق الحق و ازهاق الباطل، قم، منشورات مکتبه آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۴۶. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، امالی، قم، انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۴۷. موحدی ابطحی، مرتضی، الشیعه فی احادیث الفريقین، بی‌جا، ناشر مولف، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.
۴۸. نباطی بیاضی، علی بن یونس، الصراط المستقیم إلى مستحق التقدیم، تهران، چاپ مکتبه المرتضویه، ۱۳۸۴ ق.
۴۹. نعمان مغربی، قاضی، شرح الأخبار فی فضایل أئمه الأطهار، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، التابعة لجماعة المدرسین، ۱۴۰۹ ق.
۵۰. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، ۱۴۰۸ ق.
۵۱. نمازی شاهرودی، علی، مستدرک سفینه البحار، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین بقم المشرفه، ۱۴۰۵ ق.

